

میراثی که در این کشور به جا مانده است، هرگز نباید فراموش شود. این میراث، میراثی است که در طول تاریخ، در سینه‌های مردم این سرزمین، زنده مانده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است.

# جلوه‌های هنر و ادبیات در روزنامه‌ها

کازم سادات اشکوری

در این روزها، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است.

در این روزها، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است.

## مطالعات



عاشقانه‌های کافکا

استاد محترم جناب آقای سادات اشکوری

سرطان مغلوب می‌شود

دانشمندان حاکمان در جمهوری تواریک

باعشق دردیار رومن‌ها



جنگ ستارگان و آدم‌های آهنی!

این اصحاب انکیزترین حاد‌له دردنیای علم است

دنیای نوکاس، یک‌میلیار دسال بودی باجهان بافاصله‌داره

زنده ماندن

در این روزها، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است. این میراث، میراثی است که در هر لحظه، در هر کجای این سرزمین، زنده است.

[ به نام او ]

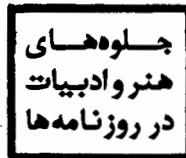
جلوه‌های  
هنر و ادبیات  
در روزنامه‌ها

کاظم سادات اشکوری



سرشناسه: سادات اشکوری، کاظم، ۱۳۱۸ -  
عنوان و نام پدیدآور: جلوه‌های هنر و ادبیات در روزنامه‌ها/ نویسنده کاظم سادات اشکوری.  
مشخصات نشر: تهران: کتابسرای میردشتی، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ص: مصور.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۸۶۳-۰-۳  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: مطبوعات و روزنامه‌نگاری در ادبیات  
Press and journalism in literature  
موضوع: هنر -- نشریات ادواری  
موضوع: Art -- Periodicals  
موضوع: ادبیات -- نشریات ادواری  
موضوع: Literature -- Periodicals  
رده‌بندی کنگره: PIR۲۰۰۹  
رده‌بندی دیویی: ۸۲۵-۸۱۰  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۹۳۱۹

مدیر هنری و تولید | فاطمه خسروجردی  
حروف‌نگار | معصومه ارمغان  
طراح جلد . صفحه‌آرا | هاله قربانی تهرانی  
نظارت چاپ | علی زارعی  
لینتوگرافی | هنرگستر  
چاپ | الوان  
صحافی | سیمی‌ساز  
نوبت چاپ | اول، ۱۳۹۸  
شمارگان | ۵۰۰  
ناشر | کتابسرای میردشتی  
شابک | ۳ - ۰ - ۹۵۸۶۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸  
قیمت | ۴۵۰,۰۰۰ ریال



کاظم سادات اشکوری

### نشر و پخش کتابسرای میردشتی

تهران • خیابان انقلاب • خیابان فخررازی • بعد از تقاطع لبافی‌نژاد  
نیش‌کوچه ماستری فراهانی • پلاک ۱۱ • طبقه ۱ • واحد ۱  
تلفن | ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۲ | نامبر | ۰۲۱-۶۶۴۹۱۹۶۸

### فرهنگسرای میردشتی

مشهد- چهارراه لشکر- به طرف میدان ده‌دی- پاساژ دین‌ها  
تلفن | ۰۵۱-۳۸۵۴۴۹۵۱ | نامبر | ۰۵۱-۳۸۵۱۴۷۶۱

www.mirdashtibook.com  
info@mirdashtibook.com

www.fmirdashti.com  
info@fmirdashti.com

جلوه‌های هنر و ادبیات  
در روزنامه‌ها



# بخش اول



## فهرست

۷	بخش اول
۹	یادداشت
۱۱	صفحه‌های هنر و ادبیات
۱۵	جنگ هنر امروز
۲۳	هفته‌نامه هنر
۳۶	ویژه‌نامه روزنامه اطلاعات
۴۰	آیندگان ادبی - دوره اول
۷۰	آیندگان ادبی - دوره دوم
۸۲	کیهان، ویژه هنر و ادبیات
۱۱۵	یادنامه هفدهمین سالگرد مرگ نیما
۱۱۹	کیهان، ویژه هنر و اندیشه
۱۱۹	یادنامه هجدهمین سال خاموشی نیما
۱۲۴	فرهنگ و اندیشه - رستاخیز
۱۳۹	بخش دوم
۱۳۹	پیوست
۱۴۲	اشاره
۱۴۴	۱. مجله امید ایران
۱۴۷	عشق مجنون
۱۶۴	۲. اطلاعات ماهانه
۱۶۶	گذشته یک مرد
۱۸۹	۳. مجله خوشه
۱۹۲	انشاء فارسی
۱۹۷	نمایه
۲۳۰	کتاب‌شناسی کاظم سادات اشکوری





## [ یادداشت ]

وقتی که کتاب «نگاهی به نشریات گهگاهی» منتشر شد، برخی ایراد کردند که مؤلف به تحلیل و تفسیر نپرداخته و به معرفی نشریه‌ها اکتفا کرده است، که البته چنین بوده و نام کتاب هم گویای این مطلب است. اگر جز این بود نام کتاب با «تحلیل و تفسیر» یا «نقد و بررسی» آغاز می‌شد.

اگر کسی بخواهد نشریه‌ای را نقد و بررسی کند و یا به تفسیر و تحلیل مطالب آن بپردازد، بی‌گمان باید کتابی را به آن اختصاص دهد؛ که این کار بی‌شک پسندیده است. اما شیوه‌ای که من در پیش گرفته‌ام معرفی است و ارائه‌نمایه‌ای از مطالب هر نشریه؛ بدین‌منظور که، برای مثال، پژوهشگری که درباره‌ی موضوعی تحقیق می‌کند، می‌خواهد بداند آیا در ضمیمه یا بخش ویژه‌ی هنر و ادبیات روزنامه‌ها، درباره‌ی آن موضوع، مقاله‌ای چاپ شده است یا نه که او بتواند به آن استناد کند. در چنین مواقعی به این کتاب مراجعه می‌کند. پس، به یک معنی، می‌توان گفت این کتاب تنها جنبه‌ی اطلاع‌رسانی ندارد بلکه مرجع و مأخذ هم هست و نیز این‌گونه است کتاب «نگاهی به نشریات گهگاهی».

باری، چنان‌که در مقدمه‌ی کتاب «نگاهی به نشریات گهگاهی» اشاره کرده‌ام، روزنامه‌ها و مجله‌ها، از سال‌های دور، برایم جاذبه‌ای دیگر داشته است و چون کار روزنامه‌نگاری

هم کرده‌ام از این‌رو اکنون دیگر علاقه‌ام از «جاذبه» فراتر رفته و به «توستالژی» تبدیل شده است.

شاید برای خواننده جالب باشد که بگویم، وقتی به «دکه» یا «کیوسک» مطبوعات می‌رسم، پا سست می‌کنم و با خود می‌گویم، ای کاش می‌توانستم از همه مجله‌ها و روزنامه‌ها نسخه‌ای بخرم و مطالب مورد علاقه‌ام را از میان مطالب دیگر برگزینم و با خواندن آنها از حال به گذشته و آینده سفر کنم. اما، از شما چه پنهان، نه به لحاظ مادی می‌توانم به چنین کاری دست بزنم و نه مجال و فرصتی، در پایان راه، با کارهای انجام نداده و ناتمامی که دارم، برایم مانده است تا ساعت یا ساعت‌هایی را به این کار اختصاص دهم.

به هر حال، از این مقوله هم، مثل مقوله‌های دیگر، می‌گذرم و می‌گویم، این هم کتابی است و شاید خواندنی و هم نشانه کنجکاو مؤلف که به فضای نشریه‌های قبل از انقلاب سرک کشیده و این مجموعه را فراهم آورده است. تا چه قبول افتد.

دی ۱۳۹۷، تهران

کاظم سادات‌اشکوری

## صفحه‌های هنر و ادبیات

در سال‌های دور که انتشار نشریه‌های تخصصی، به‌ویژه در زمینه مسائل علمی، مثل امروز رواج نداشت؛ روزنامه‌ها، معمولاً، هر هفته یک‌بار صفحه‌ای را به کشاورزی، زنان، اقتصاد، ورزش و... اختصاص می‌دادند و همین‌طور به مسائل فرهنگی و هنری. این شیوه اکنون نیز کم‌وبیش رایج است اما نه در همه زمینه‌ها و نیز نه به پرباری و فراگیری و اهمیت گذشته.

روزنامه‌ها، اکنون، بیشتر به مسائل سیاسی توجه دارند و کمتر به هنر و ادبیات می‌پردازند. در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های سال‌های دور، جز آنها که صرفاً ادبی و فرهنگی بودند، اغلب شعرهایی به چاپ می‌رسید که مربوط به مسائل روز بود و همین‌طور انتقاد از اوضاع و احوال و یا شکایت از روزگار و نیز داستان‌های بلند حادثه‌ای و رمان‌های عشقی، به صورت پاورقی، که خواننده در تب‌وتاب ادامه ماجرا تا روز یا هفته بعد در انتظار می‌ماند.

گرایش به هنر و ادبیات و اختصاص دادن صفحه‌ای به آن در روزنامه و یا انتشار نشریه مستقلی به صورت ضمیمه و یا استفاده از امتیاز روزنامه برای نشریه‌ای جداگانه، اگرچه در دهه بیست هم تا حدودی رواج داشت، اما بیشتر در دهه سی و مخصوصاً در دهه چهل و پنجاه است که تقریباً فراگیر می‌شود.

اختصاص دادن صفحه‌ای از روزنامه به علم یا هنر به قصد این است که روزنامه عام‌تر شود و خوانندگانی با سلیقه‌ها و تخصص‌های گوناگون بتوانند مطلب مورد نظر خود را در آن بیابند.

در این یادداشت‌ها منظور بررسی صفحه‌های گوناگون علمی و اجتماعی و... روزنامه‌ها نیست، بلکه قصد این است که نمونه‌هایی از صفحه‌ها و ضمیمه‌های هنری و ادبی روزنامه‌ها را، به اختصار، معرفی کنیم.

•

در سال‌های دور، برای مثال در دهه‌های بیست و سی، به چاپ شعر و داستان و همین‌طور نقد کتاب در روزنامه‌ها کمتر توجه می‌شد و نیز به نقد فیلم و موسیقی. یکی از دوره‌های درخشان هنر و ادب کشورمان، بی‌گمان، دههٔ چهل است، چرا که در این دهه نه تنها شاعر و نویسندهٔ ما پس از پشت سر نهادن رویدادهای دههٔ سی تجربه اندوخت و از احساساتی بودن فاصله گرفت و به تعقل و خلق آثار ارزنده و ماندنی رو آورد، بلکه نویسندگان نقد نیز، به‌ویژه در زمینهٔ کتاب و فیلم، به راهی نو قدم نهادند و فعال‌تر شدند به گونه‌ای که نشریه‌هایی ویژهٔ کتاب و نقد کتاب و همین‌طور فیلم و سینما بر بساط روزنامه‌ها جا خوش کرد.

امروز، بعد از چند دهه، هنوز آن سال‌ها یادآور حرکت موقرانه و آگاهانهٔ شاعران و نویسندگان به سمت کشف فضاهای تازه‌تر و زوایای پنهان در دنیای ادب و هنر است؛ هم از این‌رو در این یادداشت‌ها به بازتاب هنر و ادبیات پیشرو در روزنامه‌ها، که تا اواسط دههٔ پنجاه ادامه یافت، می‌پردازیم.

•

هنر و ادبیات در روزنامه‌ها به سه شکل و به سه گونه در این سال‌ها رخ نموده است:

### ۱. انتشار نشریه‌هایی مستقل با استفاده از امتیاز روزنامه‌ها

انتشار این قبیل نشریه‌ها در دههٔ چهل بیش از دیگر دهه‌ها رواج داشت. با این‌که در آن دهه نشریه‌های هنری و ادبی بسیاری منتشر می‌شد اما انگار پاسخگوی نیاز جامعه نبود و به همین دلیل نه تنها در تهران بلکه در بسیاری از شهرستان‌ها نشریه‌هایی با این ویژگی به چاپ می‌رسید که شاخص‌ترین و مهم‌ترین آنها بازار - ویژهٔ هنر و ادبیات بود که به همت محمدتقی صالح‌پور در رشت منتشر می‌شد و نخستین نشریه با این ویژگی به شمار می‌آید و نیز جنگ جنوب و خزه با استفاده از امتیاز

روزنامه‌نوای ملت در اهواز، **جنگِ مازندران** با استفاده از امتیاز روزنامه‌اعتراف در بابل، **ماهنامه‌دريا** با استفاده از امتیاز روزنامه‌پیام آسمانی در شیراز، **شاهد غرب** با استفاده از امتیاز روزنامه‌شاهد غرب در کرمانشاه، **جنگ باران** با استفاده از امتیاز روزنامه‌شمال ایران در گرگان، **هنر و ادبیات جنوب** با استفاده از امتیاز روزنامه‌پرچم خاورمیانه در اهواز و تهران و ...

چون این نشریه‌ها را قبلاً معرفی کرده‌ام، از این‌رو در اینجا به همین اشاره اکتفا می‌کنم.<sup>۱</sup>

## ۲. اختصاص دادن صفحه یا صفحه‌هایی در روزنامه‌ها

این شیوه که هنوز هم متداول است، در گذشته طرفداران بسیار داشت و خوانندگان روزنامه، به‌ویژه دانشجویان، از علاقه‌مندان صفحه‌های هنر و ادب روزنامه‌ها بودند. دو روزنامه‌معروف عصر (اطلاعات و کیهان) نه تنها سعی می‌کردند از آثار صاحب‌قلمانی نامدار استفاده کنند بلکه در تهیه گزارش و مقاله و حتی چاپ شعر با هم رقابت می‌کردند. البته حضور نواندیشانی چون جواد مجابی، رحمان هاتفی، سیروس طاهباز و... به عنوان دبیر صفحات هنر و ادب این روزنامه‌ها نه تنها بی‌تأثیر نبود بلکه سبب شد تا نام‌آورانی چون احمد شاملو، رضا براهنی، م. آزاد، اسماعیل خویی و... با این روزنامه‌ها همکاری کنند.



## [ جنگِ هنر امروز ]

از صفحات موفق و خواندنی روزنامه‌ها، چهار صفحه‌ای بود تحتِ عنوانِ «جنگِ هنرِ امروز» که به همتِ سیروس طاهباز، در صفحاتِ میانی روزنامهٔ «دنیای جدید»، هر شماره به یک رنگ و بی‌صفحه‌شمار و ذکر نامِ نشریه، در بهار و تابستان ۱۳۴۶ منتشر شد.

دنیای جدید روزنامه‌ای بود که در روزهای دوشنبه بر بساط روزنامه‌ها به چشم می‌خورد و دارای شهرتِ چندانی نبود و خوانندگان محدودی داشت. چهار صفحهٔ موردنظر یکباره نام این نشریه را بر سر زبان‌ها انداخت و دوستداران و علاقه‌مندانِ مباحث ادبی - هنری، که مطالبِ مورد علاقهٔ خود را در مجله‌های هفتگی و ماهنامه‌ها و گاهنامه‌ها می‌یافتند، مدّت کوتاهی به این نشریه دل بستند و به انتظار انتشارِ آن در روزهای دوشنبه به بساط روزنامه‌فروش‌ها مراجعه کردند.

چهار صفحهٔ «جنگِ هنرِ امروز» تنها ده شماره (ده هفته)، به طول انجامید و پس از آن متوقف شد. در نخستین شماره به جای یادداشت، مقدمه، آغاز و یا هر حرفِ دیگر این شعر از نیما یوشیج آمده است:

من نمی‌دانم پاس چه نظر

می‌دهد قصه‌ی مردی بازم

سوی دریایی دیوانه سفر...

من به راهِ خود باید بروم،

کس نه تیمارِ مرا خواهد داشت

در پر از کشمکش این زندگی حادثه‌بار،

گرچه گویند نه - هر کس تنهاست.

آن که می‌دارد تیمارِ مرا کار من است.



من نمی‌خواهم در مانم اسیر،  
صبح وقتی که هوا روشن شد،  
هر کسی خواهد دانست و بجا خواهد آورد مرا  
که در این پهنه‌ور آب  
به چه ره رفتم و از بهر چهام بود عذاب؟

نمایه‌ای از مطالب ده شماره «جنگ هنر امروز» را، برای آشنایی بیشتر با این صفحات،  
در اینجا می‌آوریم:

### شماره ۱

- نیاز آدم به آدم (نامه‌ای از «شروود آندرسن» به «تئودور درایزر»)، ترجمه کورش مهربان.
- عید فصیح، شموئل یوسف اگنون.
- تعریف و تبصره (ویژه‌ای در شعر و شاعری)، نیما یوشیج.
- حرف‌هایی از آرتور میلر، ترجمه دکتر رحیم اصغرزاده.
- شعرهایی از نلی زاگس (ترجمه سیروس آتابای و ر.ا.)، فروغ فرخزاد، م. آزاد، آینده، یدالله رؤیایی، سیروس آتابای، محمدحسین شهریار و بیژن جلالی.

### شماره ۲

- فام و یام (نمایشنامه)، ادوارد آلبی - ترجمه دکتر حمید صاحب‌جمع.
- قورباغه (داستان کوتاه)، ع. فدایی‌نیا.
- ادامه تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- شعرهایی از پابلو نرودا، م. آزاد، هوشنگ گلشیری، مجید نفیسی و منوچهر نیستانی.

### شماره ۳

- مصیبت یک نویسنده، ن. استروفسکی.
- محاصره (داستان کوتاه)، محمد ایوبی.
- ادامهٔ تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- ادامهٔ عید فصیح، شموئل یوسف اگنون.
- شعرهایی از جان میزفیلد (ترجمهٔ کورش مهربان)، نیما یوشیج، م. آزاد، سیاوش مطهری، م. امید، مسعود فرزاد، احمد رضا احمدی و جرج سه فریس (ترجمهٔ م. ت).

### شماره ۴

- موهبت نوشتن، سن‌اکی سی (شون او کیسی؟) نمایشنامه‌نویس بزرگ ایرلند
- در ساحل کاکای (تکه‌ای از سایه‌های خوش در حاشیهٔ خلیج)، غلامحسین ساعدی.
- ادامهٔ تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- ادامهٔ عید فصیح، شموئل یوسف اگنون.
- شعرهایی از کاوه گلستان، ا. بامداد، محمد حقوقی، پرویز اسلامپور، خسرو گل سرخی و م. طاهر نوکنده.

### شماره ۵

- هدیهٔ نهایتِ روزهای خوب (لال بازی)، عدنان غریفی.
- در ساحل کاکای (ادامه)، غلامحسین ساعدی.
- ادامهٔ تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- شعرهایی از برتولت برشت، عدنان غریفی، م. آزاد، یوگنی یفتوشنکو و بیژن جلالی.

## شماره ۶

- به انتظار «خودو» (گودو؟)، ساموئل بکت.
- ادامه تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- شعرهایی از لنگستون هیوز (ترجمه کورش مهربان) و فروغ فرخزاد.

## شماره ۷

- غول و زئش و ارابه‌اش...، یک قصه از نیما یوشیج.
- ادامه به انتظار «خودو»، ساموئل بکت.
- کوششی در شناسایی نقاشی نو، روئین پاکباز.
- شعرهایی از لویی آراگون، مجید نفیسی و فرهاد طاهری.

## شماره ۸

- متأسفانه در میان کاغذپاره‌ها و صفحات میانی روزنامه‌های آن سال‌ها این شماره را پیدا نکردم. شاید یکی از دوستان به امانت برده و برنگردانده است و یا در گوشه‌ای جا خوش کرده و روزی رؤیت می‌شود!

## شماره ۹

- نامه‌ای از هنری میلر در دفاع از آزادی مطالعه، ترجمه خسرو حکیم رابط.
- ادامه تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- ادامه کوششی در شناسایی نقاشی نو، روئین پاکباز.
- ادامه به انتظار «خودو» ساموئل بکت.
- دو شعر بلند از حسن آقایی.

- متن نامه دوستی از پاریس، جلال آل احمد.
- ادامه تعریف و تبصره، نیما یوشیج.
- تفسیری بر روابط اسرائیل و سایر کشورها، ترجمه ج. آ.
- ادامه کوششی در شناسایی نقاشی نو، روئین پاکباز.
- ادامه به انتظار «خود»، ساموئل بکت.
- شعری از فروغ فرخزاد

پس از انتشار این شماره «جنگ هنر امروز»، روزنامه «دنیای جدید» توقیف می‌شود. در آن صبح دوشنبه که روزنامه دنیای جدید بر بساط روزنامه‌فروش‌ها جا خوش کرد، من، شاید، یکی از نخستین کسانی بودم که آخرین شماره «جنگ هنر امروز» را تهیه کردم؛ برای این که شنیدم در ساعت ۹ صبح مأموران تمامی شماره‌های روزنامه «دنیای جدید» را جمع‌آوری کرده‌اند. علت جمع‌آوری و توقیف روزنامه مطلبی بود از جلال آل احمد با این توضیح که «این متن نامه دوستی از پاریس است که من چیزهایی بر آن افزوده‌ام. پرت و پلاهاش بیخ ریش من و حرف حسابش از او.» نامه با سطرهایی از شعر نیما آغاز می‌شد:

وین زمان فکرم این است که در خون برادرهایم  
 ناروا در خون پیچان  
 بی‌گنه در خون غلطان  
 دل فولادم را زنگ کند دیگرگون.

و تاریخ نگارش آن سوم تیر ۱۳۴۶ بود، بی‌آن که از آن دوست مقیم پاریس نامی برده شود، و چه‌بسا نویسنده آن جلال آل احمد بود، هر چند از برخی نکات مندرج در نامه چنین چیزی استنباط نمی‌شد.

این مقاله سروصدای بسیاری برانگیخت و برای گردانندگان نشریه دردسرهایی فراهم کرد، برای این که موضوع نامه، در شرایطی که ایران با اسرائیل روابط دوستانه داشت، حمله شدید به اسرائیل و حامیانش بود و همین طور طرفداری از اعراب. اگر رژیم ناسزاگویی به آمریکا و اسرائیل را برمی تافت لابد کنایه و طعنه به خود را نمی توانست تحمل کند، که در نامه آمده بود: «... الان ۹۰ درصد نفت اسرائیل را ایران می دهد و آن وقت حکومت ایران از ترس اعراب اعلامیه می دهد که: «ما در مقابل کمپانی هیچکاره ایم ایشان خودشان نفت را به هر که بخواهند می فروشند!» و آیا این عذر بدتر از گناه نیست؟ آخر این دم خروس را ببینیم یا کمک های شیر و خورشید سرخ را به آوارگان اردن که از حدود یک عوام فریبی در داغ ترین شرایط سیاسی فراتر نمی رود...» یا «... وجدان روشنفکر ایرانی باید از این ناراحت باشد که چرا نفت ایران در تانک و هواپیمایی می سوزد که برادران عرب و مسلماتش را می کشد. وجدان روشنفکر ایرانی باید از این ناراحت باشد که چرا نفت سعودی و کویت در تانک ها و هلیکوپترهایی می سوزد که ملت فقیر ویتنام را به توپ بسته اند. چه کسی گفته است که وجدان روشنفکر ایرانی را هم باید مطبوعات فرنگ بسازند؟ و مالیخولیاهای روچیلد و لانزمن؟ این حرف و سخن کهنه ای است که چرا کفاره گناهی را که دیوانه ای در بلخ آلمان و اروپا کرد باید ما در شوشتر خاورمیانه بدهیم - بحث در این است که اسرائیل - این دست نشانده دست اول سرمایه داری و استعمار غرب در خاورمیانه - که سرمایه فراوان دارد مگر نمی داند که هر اصله نخلی را کمپانی نفت در خارک به هزار تومان خرید؟ اسرائیل اگر می خواهد در خاورمیانه آرام زندگی کند باید مرکز توطئه ضد نهضت های دمکراتیک نباشد...» و بسیار نکته ها و تعریض ها که انگار آبی بر خوابگه مورچگان ریخته شد. جنجال به راه افتاد و آن شماره روزنامه را اگر کسی داشت آن قدر دست به دست گشت و خوانده شد که از هم وارفت و به شکل ورق پاره ای درآمد.

متن سخنرانی Talmy Givon (منشی «انجمن مستقل دانشجویان اسرائیلی» آمریکا) نیز که ترجمه آن در این شماره چاپ شد به نکاتی اشاره می کرد که خوشایند رژیم نبود، از جمله: «... ایران یکی از معدود کشورهای مسلمان عالم است که با اسرائیل روابط سیاسی دارد. و ناچار حکومت اسرائیل از این قضیه بسیار خوشنود است. و چرا نباشد؟

کشوری که به وسیلهٔ همسایگانش تنها مانده چرا نباید دستِ کشورِ مسلمانی را که از آن سمتِ خاورمیانه به سوی او دراز می‌شود - رد کند؟! وقتی روابط ایران و اسرائیل را در مجموع سیاستِ خارجی اسرائیل مطالعه کنیم می‌بینیم که این قیافهٔ بی‌گناه دوستی و همکاری، تغییر شکل می‌دهد و کمی بغرنج می‌شود. چرا که این مجموعهٔ سیاستِ خارجی سخت زنده است...»

به هر حال، سپاس از کسانی که پیش از ما به راه انسانی قدم نهادند و از مشکلات نهراسیدند، وظیفهٔ ماست. می‌دانیم که زنده‌یاد سیروس طاهباز در شناساندن ادبیات پیشرو دههٔ چهل و پنجاه نقش اساسی داشت و حق این است که قدر بشناسیم کار او و دیگر صاحب‌قلمانی را که پیش از ما زیسته‌اند.

باری، بهتر است به صفحات هنر و ادب دیگر روزنامه‌ها نیز اشاره‌ای بکنیم.